

تدبر در حدیث و سیره معصومین (علیهم السلام) - استاد ضرابی

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

بیست و سوم رمضان المبارک ۱۴۴۲ مطابق با ۱۴۰۰/۲/۱۶

شهادت مولای متقیان علی (علیه السلام)

شب قدر و شب احیا ، شب شهادت مولا علی مرتضی به شمشیر اشقی الاشقیاء تسلیت به پیامبر و اهلبیت (علیهم السلام) به ویژه به آقا و مولایمان حجت حق صاحب العصر و الزمان (عج) به همه شیعیان جهان به همه ارادتمندان و موالیان و محبین اهل بیت عصمت و طهارت تعزیت و تسلیت باد ، بهترین بهره ها از عزاداری ها و برکات این شبها نصیب و روزی همه شیعیان و مسلمانان و محرومین جهان باد.

میسر نگردد به کس این سعادت به کعبه ولادت به مسجد شهادت

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا امِیْنُ اللهُ فِی اَرْضِهِ وَحُجَّتُهُ عَلٰی عِبَادِهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا امِیْرَ الْمُؤْمِنِیْنَ اَشْهَدُ اَنَّكَ جَاهَدْتَ فِی اللهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ وَاتَّبَعْتَ سُنْنَ نَبِیِّهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ حَتّٰی دَعَاكَ اللهُ اِلٰی جِوَارِهِ فَقَبَضَكَ اِلَیْهِ بِاخْتِيارِهِ وَالزَّمَ اَعْدَانِكَ الْحُجَّةَ مَعَ مَالِكٍ مِنَ الْحَجَجِ الْبَالِغَةِ عَلٰی جَمِیْعِ خَلْقِهِ...

قرآن به جز از وصف علی آیه ندارد ایمان به جز از عشق علی پایه ندارد

گفتم بروم سایه لطفش بنشینم گفتا که علی نور بود سایه ندارد

حضرت امیر(صلوات الله و سلامه علیه) فرمود: « ... تَوَلَّوْا مِنْ أَنْفُسِكُمْ تَأْدِیْبَهَا، وَ اَعْدِلُوا عَنْ ضَرَاوَةِ عَادَاتِهَا - ... ای مردم، خودتان عهده دار ادب کردن خود شوید و نفس را از جرأت بر عادات هلاک کننده بازگردانید» (نهج البلاغه، حکمت ۳۵۹)

موضوع تدبر :

اگر بخواهیم از همه فرمایشات امیرمؤمنان همین یک دستور را در زندگی خود بکار ببندیم، باید چه اصلاحی در خود ایجاد کنیم؟

پاسخ:

ای اسیران هوا و هوس، آرزوها را کوتاه کنید

در صدر همین حدیث حضرت امیر (ع) می فرماید: « يَا أَسْرَى الرَّغْبَةِ، أَقْصِرُوا، فَإِنَّ الْمُعَرَّجَ عَلَى الدُّنْيَا لَا يَرْوِعُهُ مِنْهَا إِلَّا صَرِيفُ أَنْيَابِ الْحِدْثَانِ - ای اسیران هوا و هوس، آرزوها را کوتاه کنید، زیرا مردم دلبسته به دنیا را، جز صدای دندان های حوادث، از این دنیا نمی ترساند » (نهج البلاغه، حکمت ۳۵۹)

در مقابل شخص گرفتار آرزوهای طولانی، انسان زاهد قرار دارد و مقصود از زهد هم در حدیث می خوانیم که تنها مقصود از زهد، کنده شدن قلبها از دنیا و توجه به آخرت است « ... وَ إِنَّمَا أَرَادُوا الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا لِتَقَرُّغِ قُلُوبُهُمْ لِالْآخِرَةِ - انبیای الهی مردم را به زهد در دنیا دعوت کردند تا دل های آنان برای آخرت، خالی و فارغ باشد » (الکافی، ج ۲، ص ۱۶)

البته این معنای از زهد با در اختیار داشتن مال و امکانات و استفاده آن در خدمت به مردم منافات ندارد.

ممکن است گفته شود این تعریف مقصد از زهد را نشان می‌دهد، خود زهد چیست؟ از مولای متقیان (ع) در تعریف زهد آمده است که: «الزَّاهِدُ فِي الدُّنْيَا مَنْ لَمْ يَغْلِبِ الْحَرَامُ صَبْرَهُ، وَ لَمْ يَشْغَلِ الْحَلَالُ شُكْرَهُ - زاهد در دنیا کسی است که حرام بر صبرش غلبه نکند و حلال از شکرش باز ندارد» (بحار الانوار، جلد ۷۵، صفحه ۳۷)

یعنی که در تنگدستی یا شدت شهوت و غضب، فعل حرامی مرتکب نشود و در وسعت و دارایی هم مطابق معنای شکر، نعمت را در راهی که رضای خداست هزینه کند.

البته روشن است که اجرای این دستور مولایمان سرمایه‌ای از اعتقادات صحیح لازم دارد که خلاصه این پیش‌نیاز را حضرت در فرمایشی کوتاه اینچنین فرموده است: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارُ مَجَازٍ وَ الْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ، فَخُذُوا مِنْ مَمَرِّكُمْ لِمَقَرِّكُمْ؛ وَ لَا تَهْتِكُوا أَسْتَارَكُمْ عِنْدَ مَنْ يَعْلَمُ أَسْرَارَكُمْ، وَ أَخْرِجُوا مِنَ الدُّنْيَا قُلُوبَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَخْرُجَ مِنْهَا أَبْدَانُكُمْ، فَفِيهَا اخْتِبرْتُمْ وَ لَعَلَّهَا خُلِقَتْكُمْ. إِنَّ الْمَرْءَ إِذَا هَلَكَ قَالَ النَّاسُ مَا تَرَكَ، وَ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ مَا قَدَّمَ؟ بَلَى أَبَاؤُكُمْ، فَقَدَّمُوا بَعْضًا يَكُنْ لَكُمْ قَرْضًا، وَ لَا تُخْلِفُوا كَلًّا فَيَكُونُ قَرْضًا عَلَيْكُمْ - ای مردم، این دنیا سرایی است که گذرگاه شماسست و آخرت، سرایی است پایدار. پس از این سرای که گذرگاه شماسست برای آن سرای که قرارگاه شماسست، توشه بگیرید. پرده هایتان را نزد کسی که اسرارشان را می‌داند مدیریت. پیش از آنکه بدنهایتان را از دنیا بیرون برند، دل‌هایتان را از دنیا بیرون کنید. شما در دنیا در معرض آزمایش بوده‌اید، زیرا برای سرایی جز این آفریده شده‌اید، هنگامی که کسی بمیرد، مردم می‌گویند چه برجای نهاده و ملائکه می‌گویند، چه پیش فرستاده. خدا بر پدرانتان رحمت آورد. بخشی را پیش فرستید تا از آن سود برید و همه را پس از خود مگذارید تا وزر و وبال‌تان گردد.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۳)

بخاطر دنیا دلتنگ و دلشاد نشوید

اگر سؤال شود که از کجا بدانیم که چنین زهدی را بدست آورده‌ایم یا نه؟ قرآن کریم پاسخ می‌گوید که از آثار دست یافتن به چنین زهدی باید این باشد که «لِكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ - تا هرگز بر آنچه از دست شما می‌رود دلتنگ نشوید و به آنچه به شما می‌رسد مغرور و دلشاد نگردید» (حدید/۲۳)

چرا که قیمت هر کسی آن چیزی است که مجذوب آن است یا به آن مشغول است (قلباً) برخی هم این کلام امیرالمؤمنین را «قِيمَةُ كُلِّ امْرِءٍ مَا يُحْسِنُ (نهج البلاغه، حکمت/۸۱)» این‌طور معنا کرده‌اند» ارزش هر کسی آن چیزی است که نیکو انجام دهد» که مقصود این است که از شدت تکرار از ملکات او شمرده می‌شود.

علی‌ای حال آنچه امیر مؤمنان برای ما بیش از هر چیزی نگران است و بر آن تاکید دارد این مطلب است که فرصت‌ها از دست می‌رود پس آنها را مغتنم بشمارید «وَالْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ، فَأَنْتَهُزُوا فُرْصَ الْخَيْرِ - فرصت به مانند ابر گذرا می‌گذرد، پس فرصت‌های نیک را غنیمت دانید.» (نهج البلاغه، حکمت/۲۰)

منظور، استفاده از فرصت‌ها برای کوتاه کردن آرزوها و دست برداشتن از هواپرستی‌ها است؛ زیرا اینها مانع حق‌بینی انسان و فراموشی آخرت است «إِنَّمَا أَخْشَىٰ عَلَيْكُمْ إِثْنَيْنِ: طُولَ الْأَمَلِ وَ اتِّبَاعَ الْهَوَىٰ، أَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ وَ أَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ فَإِنَّهُ يَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ - همانا بر شما از دو چیز

میترسم: درازی آرزو و پیروی هوای نفس. اما درازی آرزو سبب فراموشی آخرت شود و، اما پیروی از هوای نفس، آدمی را از حق باز دارد.» (نهج البلاغه، خطبه/۴۲)

باید تصدیق نمود آنچه حضرت امیر (ع) از ما می‌خواهد به آسانی تحصیل نمی‌شود همت می‌خواهد» قَدَرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدَرِ هِمَّتِهِ - قدر و اندازه مرد به اندازه همت اوست «(نهج البلاغه حکمت/۴۷) و نیز احتیاج به تشخیص مصادیق هوا و هوس و تشخیص موارد ابتلاء به آرزوهای طولانی در زندگی دارد.

تفحص از احوال خود را فراموش نکن

باید انسان اهل اندیشه و تدبّر باشد و در تفحص از احوال خود اهل بررسی و تحلیل باشد و در موارد نیاز هم از اهل خبره کمک بگیرد « لا غنى كَالْعَلْفِ، وَ لا فَقْرَ كَالْجَهْلِ، وَ لا مِيراثَ كَالْأَدَبِ، وَ لا ظَهيرَ كَالْمُشَاوَرَةِ - ثروتی، چون عقل، و فقری، چون جهل، و میراثی، چون ادب، و پشتیبانی همچون مشورت نیست. » (نهج البلاغه حکمت / ۵۴)

بعنوان مثال در تفحص از احوال خود، انسان پریشانی خود را در تنگدستی باید تحلیل کند، همانطور که باید وسعت و تمکن احوال خود را بررسی کند و ببیند که آیا این حالات برخاسته از ایمان به آخرت است یا از همان ریشه‌های تکیه به دنیا است که اهل دنیا به آن مبتلاء هستند؟

حضرت امیر (ع) در ضرورت این تفحص در احوال خود، به ما این چنین تمرین می‌دهد « مَنْ ضَيَّقَ عَلَيْهِ فِي ذَاتِ يَدِهِ، فَلَمْ يَظُنَّ أَنَّ ذَلِكَ حُسْنٌ نَظَرَ مِنَ اللَّهِ لَهُ فَقَدْ ضَيَّعَ مَأْمُولًا. وَ مَنْ وَسَّعَ عَلَيْهِ فِي ذَاتِ يَدِهِ فَلَمْ يَظُنَّ أَنَّ ذَلِكَ اسْتِدْرَاجٌ مِنَ اللَّهِ فَقَدْ آمَنَ مَخُوفًا - هر که تنگدست شد و نپنداشت که این از لطف خدا به اوست، یک امید را ضایع کرده و هر که وسعت در مال یافت و نپنداشت که این یک غافلگیری از سوی خداست، در جای ترسناکی آسوده مانده است. » (تحف العقول، ج ۲، ص ۲۰۶)

آیا ما تنگدستی را که گاهی برایمان پیش‌آمد می‌کند یا در قالب اوقات به سراغمان می‌آید، لطف خدا می‌بینیم و از توجه خداوند دلشاد می‌شویم؟ آیا در آسودگی‌های وفور نعمت و وسعت، احساس نگرانی داریم که نکند از استدراج (گنه‌کار غرقه در نعمت) باشد؟

خوب این جور بررسی‌ها مصداق همان سخن مولا در موضوع تدبّر ماست که فرمود: « ... تَوَلَّوْا مِنْ أَنْفُسِكُمْ تَأْدِيبَهَا، وَ اعْدِلُوا عَنْ ضَرَاوَةِ عَادَاتِهَا - ای مردم، خودتان عهده‌دار ادب کردن خود شوید و نفس را از جرأت بر عادات هلاک‌کننده بازگردانید » (نهج البلاغه/حکمت ۳۵۹)

حواست به آزمایشات خدا هست؟

باید به قلب خود وارد کنیم که این سخت و آسان آزمایش خداوند است و آزمایش همان گزارشی است که در کوران عمل به صورت عینی از احوال روحی و توانمندی‌ها و عیوب ما به ما نشان داده می‌شود تا ارزیابی درستی از خود داشته باشیم و خود را برای پیمودن راه تکامل خود به درستی هماهنگ و آماده کنیم. « فِي تَقْلُبِ الْأَحْوَالِ عِلْمُ جَوَاهِرِ الرِّجَالِ - در دگرگونی روزگار و حوادث، گوهر شخصیت مردان شناخته می‌شود » (نهج البلاغه، حکمت/۲۱۷)

بنابر این باید سخن مولا آویزه گوش‌مان باشد « أَلْمَنِيَّةُ وَ لَا الدَّيْنِيَّةُ وَ التَّجَلُّدُ وَ لَا النَّبْتُ وَ الدَّهْرُ يَوْمَانِ: فَيَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ فَإِذَا كَانَ لَكَ فَلَا تَبْطُرُ، وَ إِذَا كَانَ عَلَيْكَ فَلَا تَحْزَنُ فَبِكُلَيْهِمَا سَخْتَنِيْرُ - مردن بهتر از خوار شدن! و بی باکی نه خود باختن! روزگار دو روز است، روزی به نفع تو، و روزی به

ضرر تو! چون به سودت شد شادی مکن، و، چون به زیانت گردید غم مخور، که به هر دوی آن آزمایش می‌شوی.» (تحف العقول/۲۰۷)

برخی از این آزمایشات برای انسان سرنوشت‌ساز و تعیین کننده همه چیز است. خداوند همه ما را سربلند بیرون آورد.

امام رضا از پدر بزرگوار (علیهما السلام) خود نقل می‌کند: «قال: رَأَيْتُ أَبِي (عليه السلام) فِي الْمَنَامِ فَقَالَ يَا بُنَيَّ إِذَا كُنْتَ فِي شِدَّةٍ فَأَكْثِرْ مِنْ أَنْ تَقُولَ يَا رُؤُوفَ يَا رَحِيمَ وَالَّذِي نَرَاهُ فِي النَّوْمِ كَمَا نَرَاهُ فِي الْيَقَظَةِ- پدرم (امام کاظم علیه السلام) را در خواب دیدم که به من فرمود: پسر من هر گاه گرفتار سختی و مشکلی شدی، این ذکر را بسیار بگو "يَا رُؤُوفَ يَا رَحِيمَ"» (بحار الأنوار ج ۹۰ ص ۲۷۲)

سفارش به ذکر « لا حَوْلَ و لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ »

امام علی علیه السلام سفارش می‌کند: «قُلْ عِنْدَ كُلِّ شِدَّةٍ : « لا حَوْلَ و لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ - به هنگام هر سختی که برایت پیش آمد بگو لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم» (بحار الأنوار ج ۷۴ ص ۲۷۱)

روضة:

بیاد بیاریم آن وقتی را که فخر عالم امکان وارد مسجد شد و خفتگان همیشه در خواب و از جمله قاتلش را برای نماز بیدار کرد، نماز را بست و سر به سجده گذاشت.

آه از نهاد خاک تا عرش خدا رفت سوز دل افلاک تا عرش خدا رفت

پای زمین روی زمین خشکیده بر جای گویا قیامت ناگهان گردید بر پای

دیگر علی بود و خداوند جلی بود «فُزْتُ و رَبُّ الْكَعْبَةِ» فریاد علی بود

بشکست پشت دین حق یکباره بشکست ابر عزا بر چهره خورشید بنشست

دیگر علی تنهاترین مرد زمان نیست ای وای بی‌حیدر چگونه می‌توان زیست؟

هنوز سر از سجده بر نداشته بود که شمشیر ابن ملجم مرادی بر فرق مولا نشست. در آن لحظه حساس، دو صدا به گوش رسید: یکی بین زمین و آسمان، جبرئیل امین علیه السلام بود که خبر شهادت علی علیه السلام را داد؛ به این صورت که «به خدا قسم! ارکان هدایت فرو ریخت و نشانه‌ها و علمهای پرهیزکاری سرنگون گشت و ریسمان محکم الهی گسست.» و ادامه داد: «قُتِلَ ابْنُ عَمِّ الْمُصْطَفَى قُتِلَ الْوَصِيُّ الْمُجْتَبَى قُتِلَ عَلَى الْمُرْتَضَى قَتَلَهُ أَشَقَى الْأَشْقِيَاءِ - پسر عموی مصطفی کشته شد. وصی برگزیده به قتل رسید. علی مرتضی کشته شد. او را شقی‌ترین افراد به قتل (شهادت) رساند.» (منتهی الآمال، ص ۱۲۷)

صدایی هم از عاشق شهادت، علی علیه السلام شنیده شد که می‌فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ فُزْتُ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ - به نام خدا و به یاری خدا و بر دین رسول خدا [از دنیا می‌روم] قسم به پروردگار کعبه! رستگار شدم. این [شهادت] چیزی بود که خدا و رسولش به ما وعده داده بود.» (بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۲)

ای تیغ زهر آلوده مجنون تو هستم چشم انتظارت هر شب اینجا می‌نشستم

ای تیغ من لب تشنه دیدار بودم شبها برای دیدنت بیدار بودم

عمری به راهت چشم حسرت دوختم من با آتش دل ساختم من سوختم من

هر نیمه شب من گفتگو با ماه کردم فریادهای سینه را در چاه کردم

ای تیغ زهرآگین مرا دلگیر کردی چون دیر کردی تو علی را پیر کردی

معاویه در جنگ صفین آب را بست، امام حسین (ع) با اجازه امام به همراهی گروهی وارد کار زار شدند، تا آب را باز پس گیرند، هنگامی که خبر پیروزی امام حسین (ع) به امام علی (ع) رسید، شروع کرد گریه کردن. چرا گریه می کنید؟ فرمود: به خاطر آوردم زمانی را که در صحرای کربلا آب را بر روی او می بندند و تشنه شهیدش می کنند.

دائماً باید به قلب خود قوّت بخشید که همه این حوادث در پیشگاه خداوند رخ می دهد و او از همه چیز آگاه است همانگونه که سیدالشهداء (علیه السلام) در روز عاشورا فرمود: « هُوَ عَلَيَّ مَا نَزَلَ بِي أَنَّهُ بِعَيْنِ اللَّهِ » « همین که می دانم این امور در برابر دیدگان علم پروردگار انجام می گیرد تحمل آن بر من آسان است » (کافی ج ۲ ص ۹۲)

ام کلثوم رفتار پدر را که می دید خیلی مضطرب شده بود. خدایا! این چه حالتی است که امشب امیرالمؤمنین (ع) دارد؟ از رفتار و گفتار امیرالمؤمنین (ع) یک چیزهایی فهمیده بود، ولی مطمئن نبود، باور نمی کرد. اما جانم به قربان عمه سادات حضرت زینب (س)، وقتی با اباعبدالله (ع) خداحافظی کرد دیگر از برادر قطع امید کرده بود. دیگر امید برگشت برادر را نداشت. خودش پیراهن کهنه را که به جای کفن بود برای امام حسین (ع) آورد. این طور با برادر وداع کرد.

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ